

یدالله مع الجماعه

نقش شبکه‌های ارتباطی مدارس در توسعه و عدالت آموزشی

محمدعلی اسماعیل زاده اصل

عضو شورای راهبری گروه آموزشی و پژوهشی آسمان در دانشگاه صنعتی شریف

عکاس: اعظم لاریجانی

تلاش برای ایجاد عدالت آموزشی، اگر منجر به افزایش سرمایه اجتماعی افراد نشود، به ثمر نخواهد رسید. بخش مهمی از سرمایه اجتماعی هر شخص، تعداد افرادی است که در جامعه آن‌ها را می‌شناسد با آن‌ها ارتباط نزدیک یا دوستانه دارد. تحقیقات متعدد طی پنجاه سال گذشته نشان داده است که هرچه تعداد آشنایان و دوستان نزدیک فردی بیشتر باشد، و هرچه این آشنایان و دوستان نزدیک، در یک شبکه غنی‌تری از منابع، ارتباطات، سرمایه‌ها و فرصت‌های خود را به اشتراک بگذارند، «به دست آوردن شغل مناسب» و «رشد در آن شغل» برای آن فرد بهتر فراهم می‌شود.

افرادی که از طبقات ثروتمند جامعه هستند، نه تنها از طریق خانواده خود به یک شبکه غنی از آشنایان دسترسی دارند، بلکه با ورود به مدارس خاص، از شبکه‌های ارتباطی وسیع‌تری که این مدارس برایشان فراهم می‌کنند، نیز بهره‌مند می‌شوند. بر همین اساس مدارس خاص، سال‌هاست به اهمیت ایجاد شبکه‌های ارتباطی پی برده‌اند و تلاش می‌کنند علاوه بر ایجاد ارتباط عمیق بین هر دوره از دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان خود، به بهانه‌های مختلف زمینه ارتباط بین گروه‌های مختلف فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموزانشان را هم فراهم کنند. به این ترتیب، فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموختگان این مدارس، به شبکه‌ای بسیار گسترده و غنی از منابع، ارتباطات، سرمایه و فرصت‌ها دسترسی پیدا می‌کنند و از این شبکه برای ایجاد شغل‌های جدید (کارآفرینی) یا به دست آوردن شغل مناسب و سرعت دادن به رشد در مسیر شغلی استفاده می‌کنند. از طرف دیگر، گسترش مدارس خاص و جدا کردن دانش‌آموزانی که از طبقات ثروتمند جامعه هستند یا پدرانشان موقعیت شغلی مهمی دارند، دسترسی دانش‌آموزان مدارس معمولی به شبکه‌های ارتباطی غنی را کمتر از پیش کرده است.

توسعه شبکه‌های ارتباطی در مدرسه برای تحقق اهداف عدالت آموزشی

دانش‌آموزان طبقات فقیر و متوسط، شبکه ارتباطی و سرمایه اجتماعی ضعیفی دارند که این خود مانع موفقیت آن‌ها در

آموزش و پرورش رایگان، زمینه کسب دانش و مهارت‌های کاری را برای تمام افراد جامعه و در نتیجه شکسته شدن تله فقر فراهم می‌کند. با این حال، کسب این دانش و مهارت، برای به دست آوردن شغل مناسب کافی نیست. چرا که مطالعات متعدد نشان داده که در صحنه عمل، شغل‌های مناسب بیشتر به افرادی می‌رسد که دسترسی به شبکه‌های پشتیبان اجتماعی داشته باشند. در این مقاله، نقش مدارس در شکل‌گیری این شبکه‌ها و نیز در افزایش سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان شرح داده شده است.

عدالت آموزشی و تلاش ناموفق برای شکستن تله فقر

تله یا چرخه فقر در حوزه آموزش، عبارت از وضعیتی است که در آن، افراد فقیر، به علت فقر خود، توان سرمایه‌گذاری برای کسب دانش و مهارت‌های کاری لازم را، برای به دست آوردن شغل مناسب در جامعه، ندارند و در نتیجه ناچار به پذیرش شغل‌های با درآمد کمتر می‌شوند و همچنان فقیر باقی می‌مانند. تلاش برای کسب عدالت آموزشی راهکاری برای شکستن تله فقر است. و در نهایت می‌تواند با در اختیار قرار دادن فرصت‌های یادگیری برابر برای تمام اقشار جامعه از فقر مزمن بکاهد. با این حال مطالعات متعدد طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد که در دنیای واقعی، کسب این دانش و مهارت توسط افراد فقیر و متوسط جامعه منجر به کسب شغل‌های بهتری برای آن‌ها نمی‌شود، و این بدان معناست که عدالت آموزشی با تعریف فعلی، حتی در مواردی که به اهداف اولیه خود برای ایجاد فرصت‌های یادگیری برای اقشار مستضعف برسد، در بهتر کردن وضع شغلی و معیشتی آن‌ها ناموفق بوده است.

حلقه گم شده در زنجیره اتصال عدالت آموزشی به عدالت شغلی و درآمدی

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر «به دست آوردن شغل مناسب» در جامعه، «سرمایه اجتماعی» است؛ به طوری که

دانش‌آموزان به یکدیگر از طریق به‌وجود آمدن قواعد اخلاقی مشترک در مدرسه و از طریق ایجاد فرصت همکاری با یکدیگر در فعالیتهای مدرسه به وجود می‌آید.

**هرچه تعداد
آشنایان و
دوستان نزدیک
فردی بیشتر
باشد، و هرچه
این آشنایان و
دوستان نزدیک،
در یک شبکه
غنی‌تری از
منابع، ارتباطات،
سرمایه‌ها و
فرصت‌های خود
را به اشتراک
بگذارند، «به
دست آوردن
شغل مناسب»
و «رشد در آن
شغل» برای آن
فرد بهتر فراهم
می‌شود**

۷. **مشارکت در فعالیتهای جمعی و نهادهای دانش‌آموزی** (فعال کردن شوراهای دانش‌آموزی و دیگر نهادهای دانش‌آموزی در زمینه‌های ورزش، هنر، علوم، مسائل اجتماعی و ...، می‌تواند به بهبود این شاخص کمک کند).

ب. شاخص‌های گروهی

۱. تعداد و تنوع فعالیتهای گروه‌های فعال دانش‌آموزی؛
۲. میزان فعال بودن گروه‌های دانش‌آموزی؛
۳. تنوع دانش‌آموزان در هر گروه و هم‌گروه شدن دانش‌آموزانی از کلاس‌ها، پایه‌ها، سطوح علمی، اجتماعی، اعتقادی و سلیقه‌ای مختلف.

۲. شبکه ارتباطی فارغ‌التحصیلان

بسیاری از فارغ‌التحصیلان یک مدرسه، به واسطهٔ علاقه‌ای که به مدرسه و محل تحصیل دورهٔ کودکی و نوجوانی خود دارند، حاضرند شبکه ارتباطی و سرمایه اجتماعی را که در اختیار دارند با سایر فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموزان مدرسه به اشتراک بگذارند.

مدارسی که به اهمیت این سرمایه اجتماعی پی برده‌اند، به بهانه‌های مختلف فارغ‌التحصیلان را گرد هم می‌آورند و تلاش می‌کنند بین فارغ‌التحصیلان هر دوره، بین فارغ‌التحصیلان دوره‌های مختلف، و نیز بین فارغ‌التحصیلان با دانش‌آموزان

آینده می‌شود. اما این مدارس نیز می‌توانند با تقویت شبکه‌های ارتباطی میان خود و افزایش سرمایه اجتماعی این دانش‌آموزان، آن‌ها را از تلهٔ فقر نجات دهند.

مدارس از چند روش می‌توانند به غنای شبکه‌های ارتباطی دانش‌آموزانشان کمک کنند:

۱. افزایش مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان و توسعه شبکه ارتباطی بین آنان؛
۲. توسعه شبکه ارتباطی فارغ‌التحصیلان و مرتبط کردن آن با دانش‌آموزان؛
۳. ارتباط شبکه ارتباطی اولیا و مربیان با فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموزان؛
۴. ایجاد ارتباط با شبکه‌های ارتباطی موجود در جامعه و تشکیل انجمن حامیان مدرسه.

۱. شبکه ارتباطی بین دانش‌آموزان

مدارس می‌توانند آموزش مهارت‌های ارتباطی به دانش‌آموزان را همزمان با توسعه شبکه ارتباطی بین دانش‌آموزان دنبال کنند. در واقع فعالیتهایی که منجر به یادگیری مهارت‌های ارتباطی می‌شود، می‌تواند با طراحی‌هایی هوشمندانه، همزمان به توسعه شبکه ارتباطی بین دانش‌آموزان نیز کمک کند. در این زمینه مدارس می‌توانند به هفت شاخص فردی و سه شاخص گروهی توجه کنند و تلاش نمایند شاخص‌های فردی و گروهی زیر را در مدرسه ارتقا دهند:

الف. شاخص‌های فردی

۱. **همکاری دانش‌آموزان با یکدیگر برای رسیدن به اهداف مشترک.** «یادگیری از راه خدمت» می‌تواند یک راهبرد برای رشد این شاخص باشد.

۲ و ۳. «دغدغه‌مند بودن» و «شناخت» نسبت به مسائل سایر دانش‌آموزان، مدرسه، محله و جامعه (یک نمونه فعالیت در این زمینه با عنوان «دغدغه یادگیری» در صفحات ۲۰ و ۲۱ مجله رشد معلم، دوره ۳۵، شماره ۲، آبان ۱۳۹۵ شرح داده شده است).

۴. داشتن «تفکر مراقبتی» و اهمیت دادن به وضعیت و سرنوشت دیگران، از جمله هم‌کلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌ها (ایجاد گروه‌هایی از دانش‌آموزان که چیزهایی را که می‌دانند به یکدیگر یاد می‌دهند و ضعف‌های همدیگر را برطرف می‌کنند، می‌تواند به رشد این شاخص کمک کند).

۵. داشتن «هویت جمعی» و خود را عضو کلاس، مدرسه، محله و جامعه دانستن (افزایش مهارت «دیگری‌پذیری» در مدرسه، احترام به تک‌تک دانش‌آموزان فارغ از وضعیت تحصیلی و جایگاه اجتماعی، و مبارزه با قلدری، می‌تواند به افزایش «احساس پذیرفته شدن» در جمع و شکل‌گیری هویت جمعی کمک کند).

۶. «اعتماد» به هم‌کلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌ها (اعتماد



شبکه ارتباطی اولیا و مربیان خود انجام دهد.

۴. ارتباط با جامعه و ایجاد انجمن حامیان مدرسه

غیر از فارغ‌التحصیلان، و اولیا و مربیان، افراد و نهادهای دیگری نیز در جامعه هستند که هم علاقه و هم توانایی حمایت از مدرسه و دانش‌آموزان را دارند. مثلاً یک پزشک که در نزدیکی مدرسه طبابت می‌کند، یک کشاورز، یک نانوا، یک کارمند، یک حسابدار، یک مهندس، یک پلیس و یک بازنشسته باتجربه، به عنوان «فرد»، و یک ایستگاه آتش‌نشانی، یک بیمارستان، یک دانشگاه، یک مرکز پرورش گل و گیاه، یک دامداری، یک سازمان دولتی و یک کارخانه یا کارگاه تولیدی به‌عنوان «نهاد»، می‌توانند به حمایت از مدرسه و دانش‌آموزان جلب شوند و با به اشتراک گذاشتن شبکه ارتباطی و سرمایه اجتماعی‌شان با دانش‌آموزان مدرسه، به رشد سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان کمک کنند و دامنه‌آشنایان آن‌ها را گسترش دهند. به این منظور، مدرسه‌ها فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای می‌توانند طراحی کنند:

۱. گسترش فعالیت‌های «یادگیری از راه خدمت».

توجه به دغدغه‌های اجتماعی دانش‌آموزان و فراهم کردن فرصت ارائه خدمت به جامعه، برای آن‌ها از یک سو و گسترش شبکه‌های ارتباطی دانش‌آموزان با سایر اعضای تیم‌ها از سوی دیگر.

۲. تعمیق پروژه‌های خدمت، ایجاد فرصت همراهی فارغ‌التحصیلان، اولیا، مربیان و سایر افراد و نهادهای مرتبط در جامعه با گروه‌های دانش‌آموزی و در نتیجه توسعه شبکه‌آشنایان.

۳. برگزاری کلاس‌های آموزشی در خارج از مدرسه. دانش‌آموزان به تناسب محتوای آموزشی، می‌توانند یک روز را در بیمارستان، روز دیگری را در یک دامداری و روز دیگری را در یک باغ یا یک ایستگاه آتش‌نشانی بگذرانند. به این ترتیب زمینه‌آشنایی آن‌ها با افراد دیگری که در محیط زندگی آن‌ها فعال هستند فراهم می‌شود.

۴. دعوت از افراد و نهادها برای برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط در مدرسه.

بسیاری از درس‌ها مانند درس علوم، کار و فناوری، تفکر و پژوهش و مطالعات اجتماعی، می‌تواند با همراهی افراد متخصص این حوزه‌ها در مدرسه انجام شود و به همین بهانه، دانش‌آموزان با چنین افرادی آشنا خواهند شد.

۵. ایجاد فرصت‌های کارآموزی.

همراهی مدرسه و اولیای دانش‌آموزان با حامیان مدرسه می‌تواند فرصت‌های کارآموزی دانش‌آموزان در اوقات فراغتشان را گسترش دهد و به این ترتیب، هم شبکه ارتباطی‌شان گسترش پیدا خواهد کرد و هم برای ورود به فضای کاری آینده‌شان آماده‌تر خواهند شد.



موجود ارتباط برقرار کنند. برنامه‌هایی مثل گردهمایی سالانه، برنامه‌های جهادی، نمایشگاه دستاوردهای فارغ‌التحصیلان و مانند آن‌ها، بهانه‌هایی برای گسترش این شبکه ارتباطی و افزایش تعداد رابطه‌های آشنایی است.

در صورتی که مدارس بتوانند در کنار گروه‌های دانش‌آموزی، تعداد، تنوع و درهم تنیده بودن گروه‌های فعال فارغ‌التحصیلی خود را افزایش دهند و بین این گروه‌ها و گروه‌های دانش‌آموزی ارتباط مؤثر برقرار کنند، عمق شبکه ارتباطی و در نتیجه سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان مدرسه به شدت افزایش پیدا خواهد کرد.

۳. شبکه ارتباطی اولیا و مربیان

اگرچه اولیای دانش‌آموزان و معلمان مدرسه می‌توانند شبکه ارتباطی ارزشمندی را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند، با این حال فرصت‌های لازم برای فعال شدن این شبکه‌ها در مدرسه ایجاد نمی‌شود. برنامه‌هایی مثل «روز پدر و فرزند» که در آن پدرها به مدرسه می‌آیند و به همراه فرزندانشان فعالیت‌هایی انجام می‌دهند، یا جلب مشارکت معلم‌ها و اولیا در پروژه‌هایی که گروه‌های فعال دانش‌آموزی انجام می‌دهند، از جمله کارهایی است که هر مدرسه می‌تواند برای فعال کردن

گسترش مدارس خاص و جدا کردن دانش‌آموزانی که از طبقات ثروتمند جامعه هستند یا پدرانشان موقعیت شغلی مهمی دارند، دسترسی دانش‌آموزان مدارس معمولی به شبکه‌های ارتباطی غنی را کمتر از پیش کرده است